

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی **رہبانیات**

سال هجدهم، شماره ۶۶، بهار ۱۴۰۳

صفحه ۲۶۵ تا ۲۸۴

الزامات حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی در پرتو نقش عرف با تأکید بر آراء امام خمینی (ره)

یعقوب علیزاده / استادیار عضو هیات علمی گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

y_alizadeh@pnu.ac.ir

چکیده

چکیده

حقوق شهروندی به عنوان موضوعی در حال تغییر، همواره نیازمند طرح مصادیق آنان و همسویی با خواسته‌های مردم و گروه‌های اجتماعی برای بهبود وضعیت زندگی در ابعاد سیاسی، اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی است. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی الزامات حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی با تأکید بر نقش عرف در آراء امام خمینی است. بدین معنا که بر مبنای «خیر عمومی» الزامات حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی از منظر عرف شامل چه مواردی است؟ پژوهش حاضر این فرضیه را مطرح کرده که حقوق شهروندی برای دهه چهارم انقلاب اسلامی از منظر خیر عمومی، شامل حقوق اقتصادی، اجتماعی و حقوق مدنی و سیاسی است که مصادیق و اصول آن در آراء امام خمینی (ره) مطرح شده و برحسب تغییرات، نقشه راهی برای دهه چهارم انقلاب اسلامی است. ابعاد حقوق اجتماعی، شامل حق بر عدالت، سلامت، حمایت از زنان و کارگران است؛ حقوق اقتصادی نیز علاوه بر عدالت اقتصادی، مبارزه با تبعیض و نابرابری و فساد را مطرح می‌کند و حقوق سیاسی-مدنی نیز پشتوانه انتقاد از مدیران جامعه، حق اظهارنظر و حاکمیت قانون را در بر می‌گیرد. مصادیق حقوق شهروندی پوشش دهنده خیر عمومی در جامعه اسلامی بوده و می‌توانند به عنوان الزامات حقوق شهروندی در پرتو تغییرات زمانه و عرف در نظر گرفته شوند. در مقاله حاضر از روش توصیفی و تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای استفاده شده است. چارچوب نظری مقاله نیز همسو با موضوع بحث حاضر، خیر عمومی است.

کلیدواژه: حقوق شهروندی، عرف، انقلاب اسلامی، امام خمینی، تفاهم عرفی.

تاریخ تایید: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

مقدمه

حقوق شهروندی موضوع مهم و اثرگذاری در دنیای معاصر است که ابعاد مختلفی دارد. در این زمینه قوانین کشورها از یک طرف و اسناد بین‌المللی در قالب طرح موضوع حقوق بشر از طرف دیگر، سعی می‌کنند تا حقوق و نیازهای افراد را در جوامع مختلف و بدون ملاک قرار دادن ملاحظات قومی، نژادی، مذهبی و زبانی سامان دهند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرچند به‌طور صریح تحت عنوان حقوق شهروندی مطرح نشده است، اما نشانه‌های بارزی از شناسایی حقوق ملت از جمله حق آزادی بیان، تجمع، مشارکت و حق تعیین سرنوشت و برابری و عدالت وجود دارد که حقوق شهروندی را تحت پوشش قرار می‌دهد. به علاوه اینکه در آراء بنیانگذار انقلاب اسلامی ایران نیز ابعاد مختلفی از حقوق شهروندی بر مبنای نگرش دینی و فقهی طرح شده است که در پرتو تحولات و شرایط معاصر نیازمند تبیین و بازشناسی دقیقی است. با عنایت به اهمیت حقوق ملت در نزد امام خمینی (ره) و قوانین داخلی از جمله قانون اساسی، بحث حقوق شهروندی یا حقوق ملت یک ضرورت بدیهی برای نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران در ادوار مختلف از جمله در دوره چهارم انقلاب اسلامی است. زیرا علاوه بر تغییرات نسلی و تغییر خواسته‌ها و مطالبات شهروندی، در جامعه‌ای که از اقوام مختلف، اقلیت‌های قومی و مذهبی و همچنین نسل‌های گوناگون وجود دارد، تحقق ایده شهروندی و تحول مصادیق آن در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، مدنی و فرهنگی از اهمیت خاصی برخوردار است. به این دلیل که بهره‌مندی از حقوق شهروندی نظیر آزادی، عدالت و برابری، مشارکت سیاسی و حق تعیین سرنوشت و یا دستیابی به حقوق نوینی نظیر حق بر محیط زیست و حق بر آموزش و... که همواره در حال تغییر است، به معنای در نظر گرفتن شرایط جدیدی برای محقق شدن آنان است. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی ایران نیز با گذشت بیش از چهار دهه، تحولات متعددی را تجربه کرده است، لزوم تدوین برنامه حقوق شهروندی متناسب با شرایط و مقتضیات زمانی امری لازم برای ادامه حیات و یا شناسایی حقوق شهروندان و احترام به آنان است.

در تحقیق پیش‌رو این هدف دنبال می‌شود که حقوق شهروندی علاوه بر اینکه نیازمند تحول در پرتو تحولات زمانی و همراهی با مقتضیات سیاسی و اجتماعی است، مستلزم ابتناء

بر اصول بنیادین است که بتواند حقوق شهروندان را در هر شرایطی، بدون ملاحظات قومی، زبانی، جنسی، نژادی و یا امور فراقانونی مورد حمایت قرار دهد. از این رو، از جمله الزامات حقوق شهروندی، تکیه بر اصول و قواعدی است که قابلیت تبدیل به قوانینی فراگیر، همه-جانبه و در عین حال متنوع را برای جوامعی متکثر نظیر ایران فراهم آورد. از منظر دیگر باید گفت که تحلیل وضعیت حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی می‌تواند این امکان را فراهم آورد تا سیاستگذاران و دست‌اندرکاران آموزشی، حقوقی، قانونی و رسانه-ای، شرایطی را فراهم آورند تا ضمن روشنگری درباره نقاط ضعف پیشین، آسیب‌های مرتبط با تحقق حقوق شهروندی بر طرف و زمینه برای بازنگری‌های احتمالی در تصمیمات و برنامه ریزی‌های آینده نیز فراهم گردد. ضمن اینکه آنچه امروزه تحت عنوان «خیر عمومی» مطرح می‌شود، ورای ابعاد مختلف حقوق شهروندی است که می‌تواند چارچوبی برای شناسایی مصادیق حقوق شهروندی و طرح آنان برای دهه چهارم انقلاب اسلامی در نظر گرفته شود. از این رو پژوهش حاضر درصدد است تا الزامات حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی را در پرتو نقش عرف و با بررسی آراء و دیدگاه‌های امام خمینی (ره) و در چارچوب «خیر عمومی» مورد بحث و بررسی قرار دهد.

۱-۱. پیشینه تحقیق

برخی از تحقیقات بحث حقوق شهروندی در دیدگاه‌های امام خمینی (ره) را به بحث گذاشتند که به برخی از آنان پرداخته خواهد شد:

رمضانی‌پور و اسماعیلی (۱۳۹۹) در مقاله «جایگاه حقوق شهروندی در سبک سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای با تمرکز بر سه مؤلفه حق آزادی بیان و عقیده، حق مشارکت در تعیین سرنوشت و حق تحزب و تشکل» چنین نتیجه گرفتند که نگاه و عمل امام خمینی (ره)، نگاهی ارزشی و مبتنی بر آزادی فکر و عمل است. همچنین آیت‌الله خامنه‌ای نیز تمدن‌سازی بدون آزادی فکر و اندیشه را ناممکن دانسته است. بحث مشارکت حداکثری در عمل نیز از سوی هر دو مورد تأکید بوده است. مقاله افشار احمدی و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «حقوق فردی شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد فقهی امام خمینی (ره)» چنین بیان کرده است که حقوق فردی انسانی از جمله حق نفس،

شناخت و پی بردن به جایگاه حقیقی فرد به عنوان اشرف مخلوقات و همچنین با استناد به آیات و روایات، شناخت حقوق و اموال شهروندی در جامعه را به عنوان شاکله نظام حقوق شهروندی در دیدگاه فقهی ایشان است. انصاری و نظری (۱۳۹۴) در مقاله «مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی (س) و تفاوت‌های آن با حقوق شهروندی در غرب» به برخی از تفاوت‌ها اشاره کرده که طور مشخص در آراء امام خمینی (ره) بر دستیابی به آزادی‌های اساسی با در نظر داشتن امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه همگانی (آزادی افراطی)، مشارکت فعال و مؤثر زنان (در برابر فمینیسم افراطی)، توجه به حقوق اقلیت‌های قومی، نژادی و مذهبی (ظلم به اقلیت‌ها در غرب) و توجه به تربیت شهروندی مبتنی بر فضیلت (در برابر شهروندی سطحی در غرب تنها برای مشارکت) اشاره شده است. موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی (۱۳۹۱) در مقاله «حقوق شهروندی از نگاه امام خمینی (س)» مطرح کردند که رویکرد نظری امام خمینی (س) مبتنی بر حقوق امت استوار شده است. بینش ایشان حق محوری و با اهمیت قائل شدن به حقوق شهروندی از جمله آزادی، عدالت و امنیت و حقوق مشتق از آنان استوار است. از این رو گفتمان‌سازی حول آراء ایشان به عنوان یکی از پایه‌های اصلی حقوق شهروندی در نظام اسلامی است. ملک‌زاده و احمدلو (۱۳۹۱)، در مقاله «جایگاه عرف در حقوق با رویکردی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)» بخشی از مباحث را به نقش عرف در هر زمان و ایجاد دگرگونی در تصمیمات سیاسی و اجتماعی و ارائه یک دیدگاه حقوقی اختصاص داده است. نویسندگان چنین نتیجه گرفتند که بدون شک بخش مهمی از مسائل فقهی و حقوقی، مشتمل بر معنای عرفی است که فهم در آنها و درک صحیح این دسته از مسائل مبتنی بر دریافت عرف و تفاهم عرفی است. این رویه در آراء امام خمینی به شکل توجه به عناصر زمان و مکان اهمیت پیدا کرده است.

نتایج تحقیقات اخیر اهمیت حقوق شهروندی را به ما نشان می‌دهد، اما تحقیق حاضر از جهت اینکه به دنبال بررسی الزامات حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی در پرتو نقش عرف و در چارچوب مفهوم خیر عمومی است، رویکرد متمایزی را دنبال می‌کند. بدین معنا که با نگاه به نقش محتوای دینی حقوق شهروندی در جامعه اسلامی از یک

طرف و همچنین لزوم توجه به نقش عرف به عنوان منبع خواسته‌ها و مطالبات شهروندان به دنبال بررسی حقوق شهروندی در آراء امام خمینی با تأکید بر اهمیت عرف در تعیین مصادیق حقوق شهروندی در نزد ایشان است.

۲. چارچوب نظری؛ خیر عمومی

خیر عام یا خیر عمومی^۱ از جمله مفاهیمی است که برای بیشتر اعضای یک جامعه مفید و سودمند باشد. بنابراین اینکه چه چیزی خوب یا خیر باشد و برای عامه مردم سودمند باشد، ممکن است در طول زمان تغییر کند (Yuengest, 2009: 7). از این منظر، خیر عمومی یا خیر عام، امری نسبی است که از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و امری که در یک جامعه، خیر تلقی می‌شود، در جامعه دیگر، مورد پذیرش مردم نباشد. بنابراین مفهوم خیر عمومی به عنوان یک موضوع در حال تغییر، ریشه در فرهنگ و زیست جهان افراد هر جامعه دارد و پی بردن به فرهنگ و خواسته مردم در آن جامعه بسیار مهم و حیاتی است (Salvator, 2012: 28). در نظر متفکران گوناگون، خیر عمومی وضعیت و معیارهای متفاوتی دارد. هابرماس آن را در یک اجتماع مبتنی بر گفت و گوی آزاد و اخلاقی جست و جو می‌کند. تعقلی که از این راه بدست می‌آید، در نهایت به شکل‌گیری اراده عمومی منجر می‌شود (هابرماس، ۱۳۹۲: ۱۴۹). راولز بر پایه اهمیت انصاف و عدل، خیر عمومی را آزاداندیشی مبتنی بر عدالت تصویر می‌کند. بدین معنا که برحسب دیدگاه راولز، شهروندی عادلانه، می‌بایست بر مبنای اصل تکثرگرایی بنا شوند تا همگان بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند. برای اینکه همه ملل بتوانند به توافقی اصولی بر سر مسأله حقوق شهروندی برسند، این حقوق می‌بایست ضروری، جهانشمول و حداقلی باشند (راولز، ۱۳۸۵: ۷۹-۸۰). نوزیک آن را در یک اجتماع لیبرالی و بدون دخالت دولت قابل تحقق می‌داند (Nozick, 1974: 16) و برخی دیگر نظیر متفکران اسلامی، اهمیت احکام و دستورات دینی را در تحقق خیر عمومی قابل توجه می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۴). بنابراین با طیفی از دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با «خیر عمومی» مواجه هستیم که اگرچه به دلیل زمینه‌های فکری با یکدیگر متفاوت هستند، اما اصول جهانشمولی در خیر عمومی

^۱.Common Good

برای شهروندان یعنی عدالت، آزادی، برابری یا در یک چارچوب کلی، حقوق اقتصادی-اجتماعی، سیاسی و مدنی و فرهنگی مرتبط با زندگی شهروندان را مطرح می‌کنند که خود به معنای وجه مشترکی در دیدگاههای مختلف است.

اصطلاح خیر عمومی به طور مشخص در دین اسلام به کار نرفته است، اما اصطلاحات معادل آن از جمله مصلحت عموم، فضیلت، خیر و صلاح جامعه می‌توانند هم‌تراز با آن در نظر گرفته شوند. همچنان که از منظر تاریخی و در دین اسلام، بحث مصلحت عموم نیز بسیار رایج بوده و اشاره به سیاست‌هایی دارد که به دنبال رفاه و خیر برای کل جامعه است (Opwis, 2013: 2). ضمن اینکه گفته شده است که بر طبق شریعت اسلام، خیر عمومی ناظر بر یک شرایط مشترک عینی است که در قانون شریعت وجود دارد و دربرگیرنده موارد متعددی است (Zaman, 2004). از این رو، پیوند دین و سیاست یکی از مشخصه‌های شکل‌گیری «خیر عمومی» در جامعه اسلامی است که نقش متفکران و عالمان دینی و فقها در این زمینه در مقام کارگزاران مؤسس و تأثیرگذار در حوزه عمومی با مدنظر قرار دادن غایت یک جامعه خوب در قالب گزاره‌های تجویزی، اخلاقی و ایدئولوژیکی که نقش مؤثری در تعریف خیر عمومی دارند، حائز اهمیت است (پیروزی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۱). بر مبنای همین اثرگذاری، در مطالب پیش رو تلاش بر این است تا خیر عمومی به عنوان یک چارچوب فراگیر در عرصه حقوق شهروندی از منظر نقش عرف در آراء امام خمینی به بحث گذاشته شود. با این استدلال که خیر عمومی، امری فراگیر و در عین حال در حال تغییر و نماینده تغییرات جامعه برای سازگاری با شرایط جدید است.

۳. عناصر حقوق شهروندی

اصطلاح شهروند (Citizenship)، اصطلاحی قدیمی و برگرفته از آموزه‌های غربی در حقوق یونان باستان است که در مورد ساکنین یونان بکار می‌رفته و دارای دو درجه بوده؛ یکی شهروند درجه یک که به ساکنان اصلی یونان، و شهروند درجه دو به بزرگان و دیگر افرادی که یونانی نبوده‌اند اما ساکن یونان بوده‌اند اطلاق می‌شد. شهروندی اصطلاحی متخصص انسان و زندگی وی است (گای، ۱۳۹۱: ۹۱). با این حال، شهروندان دولت

شهرهای یونان خود را با فضیلت‌ترین انسان‌ها نسبت به سایر اقوام می‌دانستند و ملت‌های دیگر را وحشی خطاب می‌کردند، ولی با تشکیل اجتماعات مختلف و اعطای شهروندی به آن‌ها، حقوق دیگران را به رسمیت شناختند.

امروزه و با توجه به تغییرات گسترده سیاسی و اجتماعی، حقوق شهروندی یکی از مبانی فکری دموکراسی و مفاهیم اساسی زندگی دموکراتیک به شمار می‌رود (بشیریه، ۱۳۸۶: ۲۲۶). حقوق شهروندی بر دو اصل حق و تکلیف استوار است و یکی از مبانی اصلی حقوق متقابل دولت و مردم در اسلام، اصل حق و تکلیف است. در هر صورت، شهروند، در نظریه سیاسی نوین، تبعه‌ای سیاسی شناخته می‌شود که دارای حقوق مدنی (برابری در قانون، آزادی شخصی، آزادی بیان، آزادی عقیده، آزادی ایمان، حق مالکیت و حق بستن قرارداد با دیگران)، حقوق سیاسی (حق انتخاب کردن و انتخاب شدن، حق مشارکت در حکومت)، حتی حقوق اجتماعی و اقتصادی است (گای، ۱۳۹۱: ۱۵). بدین ترتیب می‌توان گفت حقوق شهروندی دارای ابعاد متفاوتی است که مهم‌ترین آنان، حقوق سیاسی، حقوق اجتماعی و اقتصادی و حقوق مدنی است.

حقوق شهروندی در اسلام با دقت در احادیث و روایات و همچنین آیات قرآن کریم قابل استخراج است. همان‌طور که در آیه ۷۰ سوره اسراء این‌گونه بیان می‌شود: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوَبْرِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء / ۷۰). «ما آدمی‌زادگان را گرامی داشتیم؛ و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم». از منظر آیه فوق در می‌یابیم که حق کرامت و احترام انسانی یکی دیگر از هسته‌های اصلی حقوق شهروندی اسلامی را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، نخستین حق هر شهروند و هر انسانی ایجاد زمینه‌های رشد اوست. پس از آن باید محیط اجتماع فرصت رشد، توسعه و کمال را به افراد بدهد. بنابراین برقراری عدالت و اقامه قسط در جامعه و وظیفه هر حاکم و حق هر شهروند است. عدالت و حقوق شهروندی در نزد اسلام به یکدیگر پیوسته هستند. همان‌گونه که در قرآن مجید، به این آرمان عظیم انسانی فرمان می‌دهد و چنین می‌فرماید: «إِنَّ

اللَّهُ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰). یعنی: «خداوند، به عدل و احسان، فرمان می‌دهد». همچنین در همین زمینه امام علی (ع) در تفسیر این آیه چنین می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ: الْأَنْصَافُ وَالْإِحْسَانُ التَّفَضُّلُ». (نهج البلاغه، قصار الحكم؛ ۲۳۱). «خداوند به عدل و احسان فرمان داده است و عدالت، همان انصاف است و احسان، همان بخشش». همچنین کتاب آسمانی ما، هدف والای همه انبیاء را برقراری عدالت بر روی زمین می‌داند و چنین می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ...» (حدید / آیه ۲۵). «ما رسولان خود را با دلائل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسائی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند».

بنابراین قسط و عدل مطلوب هر انسان است، و در جای جای تعالیم اسلامی به آن امر شده است. از دیگر حقوق شهروندان تأمین امنیت ایشان در زمینه‌های مختلف مالی، جانی، کاری، حقوقی و شخصیتی می‌باشد. در آیات متعدد قرآن کریم از ظلم و تعدی به هر صورتی که باشد نهی شده است. اسلام این حق را نه تنها برای شهروندان حکومت اسلامی بلکه برای همه موجودات و انسانهای دیگر نیز محترم شمرده است. با توجه به رویکرد دینی حاکم بر حقوق شهروندی اسلامی در می‌یابیم که یکی دیگر از مبانی حقوق شهروندی اسلامی، حق انسان شناخت جایگاه حقیقی خویش است، و با این شناخت به وظایف خود به عنوان بالاترین مخلوق پی می‌برد (میرتقی، ۱۳۷۱: ۳). بنابراین شناخت خویشتن، برخورد عادلانه با یکدیگر، احترام به هم‌نوع خود، همکاری و همیاری اجتماعی و تلاش برای تقویت معنویت و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی از اهداف حقوق شهروندی اسلامی به شمار می‌روند.

۴- الزامات حقوق شهروندی در پرتو عرف و خیر عمومی

حقوق شهروندی به عنوان امری در حال تغییر و سیال، بیانگر بخش مهمی از خیر عمومی است. این بدان معناست که وقتی درباره خیر عمومی سخن گفته می‌شود، دقیقاً با مردم سروکار داریم (رضایی و درخشه، ۱۴۰۰: ۱۵۸). نقطه پیوند خیر عمومی و حقوق شهروندی نیز در نقش عرف به عنوان امری در حال تغییر قابل بیان است که در صورت نادیده گرفتن تحولات عرفی، سخن گفتن از خیر عمومی بی‌معناست؛ همچنان که احکام

غیرعبادی و تشریحات اسلامی اغلب بر اساس عرف زمان رسول گرامی اسلام (ص) و نزول وحی بر طبق سیره عقلایی آن دوران و وضع اجتماعی مردم آن سامان قانونگذاری یا امضا شده است. بنابراین اگر به دنبال آن باشیم که امروزه بدون در نظر گرفتن نقش عرف، احکام شرعی را به اجرا دریاوریم، با پیشرفت‌ها و دگرگونی‌های جامعه سازگار نخواهیم شد (ملک‌زاده و احمدلو، ۱۳۹۱: ۱۵۳). بنابراین عرف و خیر عمومی نیز ناظر بر همین تحول هستند تا بتوانند در پرتو تغییرات و تحولات، نقشه راهی برای زندگی سیاسی و اجتماعی مردم جامعه ارائه کند.

۱-۴. حقوق اجتماعی و خیر عمومی

بخش مهمی از حقوق شناخته شده مردم در دهه چهارم انقلاب، حقوق اجتماعی است که در آراء امام خمینی (ره) و در قالب حق بر سلامت، حق بر رأی و مشارکت زنان، حقوق کارگران و سایر قشرهای اجتماعی و خدمات اجتماعی عادلانه برای آنان و مطرح شده است. از نظر ایشان: در امور و اعمال اجتماعی، رعایت عدالت که شامل اعطای حق؛ مراعات شایستگی، مساوات، توازن اجتماعی، انجام صحیح و بایسته امور، انصاف و اعتدال است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱؛ ۱۶-۱۵؛ ج ۲: ۵۲۵). این رویکرد قابل تسری به ابعاد زندگی شهروندان در هر دوره‌ای بوده و بنیانی برای حقوق اجتماعی شهروندی در هر دوره‌ای به حساب می‌آید. اصل عدالت در تحقق حقوق اجتماعی در ابعاد مختلف آن بسیار مورد تأکید بنیانگذار انقلاب بوده که خروج از اعتدال و صراط مستقیم الهی در عرصه زندگی اجتماعی، انحراف تلقی شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۲: ۹۰). از این منظر مبنای اصلی در حقوق اقشار و گروه‌های اجتماعی و یا حقوق اجتماعی، مساوات، انصاف و برابری است.

علاوه بر این، حق کارگران به عنوان گروه اجتماعی اثرگذار در جامعه اسلامی، مورد توجه امام خمینی (ره) بوده که محدود به زمان خاصی نیست. ایشان بیان می‌کنند: «کارگران از ارزشمندترین طبقات و سودمندترین گروه‌ها در جامعه هستند. چرخ عظیم جوامع بشری با دست توانای کارگران در حرکت و چرخش است. حیات یک ملت، مرهون کار و کارگر است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۲: ۲۶۴). یا اینکه تسری این حق را در

ابعاد حق بر سلامت نیز به عنوان یکی از حقوق شناخته شده مردم تلقی کرده و خواهان گسترش آن به اقشار مختلف جامعه است. در یکی از بیانات، ایشان حتی پزشکان را به رعایت حق بر سلامتی برای مردم توصیه می‌کند: شما پزشکید... شما مثل یک پدری نسبت به مریضها باید باشید که علاقه‌مند به این باشید که این خوب بشود. همان‌طور که اگر خدای نخواستہ فرزندان مریض بشود چطور علاقه‌مند و از روی محبت این کار را می‌کنید. اینها هم برادر شما هستند، خواهر شما هستند (امام خمینی ۱۳۷۸ ج ۱۱: ۲۸۳). یا اینکه در جای دیگری برای دفاع از این حق بیان می‌دارد: «از امور لازم قضیهٔ جلوگیری از بیماری است، آن اهمیتش بیشتر از خود معالجه است. ما بتوانیم، شماها بتوانید که طوری بکنید که مریض کم بشود، یک طوری بشود در کشور که آنها از آلودگی بیرون بیاید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۸: ۲۳۶).

مفهوم خیر عمومی در معنای حقوق اجتماعی، قابل تسری به کارگران به عنوان یکی از گروههای اثرگذار در جامعه است. از نظر امام خمینی (ره)، اسلام برای کارگر ارزش قائل است؛ برای کارگر و کار ارج قائل است و ارزش قائل است و احترام قائل است؛ یعنی همان طوری که یک شخص عالم، یک شخص مجاهد را توصیف میکند، شخص کارگر، زارع، هر کارگری را [توصیف می‌کند] می‌گوید همه‌شان مثل هم هستند؛ مثل شانه‌ای که این رده‌هایی که دارد، همه هم‌قد هستند، مثل هم هستند - آن شانه‌های آن وقت این‌طور بودند - اینها همین‌طور همه برابر هستند. در قرآن کریم هم خداوند تصریح می‌کند که امتیازها به این مسائلی که سرمایه داشتن، قدرت داشتن - نمیدانم - و امثال اینها نیست، ارزش‌ها و بزرگی‌ها به تقواست؛ به ارزش انسانی است» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۱۶: ۲۳۹). این نقشه راه در ارتباط با نقش و جایگاه گروههای اجتماعی نظیر کارگران به معنای آن است که نباید در حق کارگران به عنوان اقشار مهم جامعه، بی‌عدالتی را پیشه کرد یا دست‌آورد آنان را نادیده گرفت.

اندیشه امام خمینی (ره) در ارتباط با حقوق شهروندی، گروه اجتماعی مهمی نظیر زنان را بر مبنای همان خیر عمومی مورد توجه قرار می‌دهد. توجه به حق و تکلیف زنان در جامعه اسلامی نیز پشتوانه‌ای برای تحقق حقوق شهروندی در دهه چهارم انقلاب اسلامی

است. این دوگانگی حقوق شهروندی در واقع به دلیل محتوای حکومت اسلامی بر قواعد شرعی است که دین اسلام را به عنوان قانون خدایی در نظر دارد (دارستانی فراهانی، ۱۳۹۸: ۱۱۸). عبارت «تعیین سرنوشت سیاسی» از دیدگاه امام خمینی، علاوه بر مشارکت مردم در تأسیس سیاسی و انتخاب کارگزاران، با حق نظارت در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی تداوم می‌یابد. بنابراین تسری دادن مشارکت سیاسی به معنای فعال شدن جامعه مدنی به نفع نسل‌های جدید و شناسایی نیازهای آنان در پرتو تحولات روز و «عرف» نیازی غیرقابل انکار است که زنان بخش مهمی از این فرایند هستند. زیرا امام خمینی (ره) بارها فرمودند: «اساس این است که، مسأله دست من و امثال من نیست و دست ملت است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۱: ۳۵-۳۴).

با در نظر داشتن الزام مشارکت زنان به عنوان بخش مهمی از شهروندان جامعه، محور مهم دیگری که در دهه چهارم انقلاب نیازمند تبیین و بازشناسی بر اساس آراء فقهی امام خمینی در پرتو تحولات عرفی و خیر عمومی است. همان‌طور که در آراء امام خمینی (ره) به صراحت بیان شده است: «اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است، بلکه خود پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۴۱۷). یا اینکه در جای دیگری مطرح می‌کنند: «زنها آزاد هستند و در تحصیل هم آزاد هستند و در کارهای دیگر هم آزادند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۸۰). بنابراین اصل آزادی زنان در جامعه، فعالیت و مشارکت اجتماعی و سیاسی و اثرگذاری آنان در تحولات مختلف پذیرفته شده است. اما این آزادی با در نظر گرفتن شرایط عرفی، مستلزم شناسایی برخی انحرافات موجود بر سر راه زنان و عفت‌مندی آنان است. بنابراین شناسایی و تبیین عواملی که باعث تبدیل شدن زنان به یک کالای مصرفی برای نظام‌های مادی و یا حتی مردان می‌شوند، امری مهم و شایسته است. این تبیین و آسیب‌شناسی در آراء امام خمینی (ره) چنین بیان شده است: «ما نمی‌توانیم و اسلام نمی‌خواهد که زن به عنوان یک شیء و یک عروسک در دست ما باشد. اسلام می‌خواهد شخصیت زن را حفظ کند و از او انسانی جدی و کارآمد بسازد. ما هرگز اجازه نمی‌دهیم که زنان فقط شیئی برای مردان و آلت هوسرانی باشند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۵: ۲۹۴). بنابراین در شرایط کنونی حتی علیرغم حمایت از زنان در

عرصه‌های مختلف مدیریتی، کسب مناصب سیاسی و اجرایی و یا حضور در مشاغل مختلف نباید آسیب‌های ناشی از تبدیل آنان به «شیئی شدن» را از نظر دور داشت. بنابراین حقوق شهروندی در دیدگاه امام خمینی (ره)، عرف را در جهت شناسایی آسیب‌های نوپدید برای بشر (اعم از زن و مرد) و ارائه راهکار برای پیمودن مسیر سعادت و معنویت نشان می‌دهد.

۲-۴. حقوق اقتصادی و خیر عمومی

حقوق شهروندی بر مبنای عرف نیازمند دگرگونی فکری و اجتماعی است (مقصودی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۰). همچنان که «خیر عمومی» نیز مفهومی سیال و تغییرپذیر و تابع خواسته عموم مردم است. از این رو جست‌وجوی حقوق اقتصادی به عنوان یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی در دهه چهارم انقلاب اسلامی در آراء امام خمینی (ره)، اهمیت حقوق اقتصادی شهروندان را گوشزد می‌کند. در ابتدا، اقتصاد و نیازهای مادی در دیدگاه امام خمینی (ره)، ابزاری برای تحقق سایر اهداف متعالی بشری هستند. از نظر ایشان: «اسلام به قانون نظر «آلی» دارد، یعنی آن را آلت و وسیله تحقق عدالت در جامعه می‌داند. وسیله اصلاح اعتقادی و اخلاقی و تهذیب انسان می‌داند. قانون برای اجرا و برقرار شدن نظم اجتماعی عادلانه، به منظور پرورش انسان مهذب است» (موسوی خمینی، ۱۳۸۱: ۷۳). در پرتو همین اصل، امور اقتصادی نباید به نحوی پیش برود که به عنوان یک نگرسته شده و جامعه را به سمت روش‌های غیر شرعی و تبعیض‌آمیز به پیش ببرد. بر مبنای تحقق همین اصل، امام خمینی (ره) ضمن بازخوانی دستورات شرعی اسلام در عصر جدید، اصول حقوق اقتصادی مردم را بدین شکل مطرح می‌کند: «بازار باید مظهر تام اسلام و عدالت باشد. بازار باید احتراز کند از چیزهایی که مخالف دستورات اسلام است. و اقبال کند به آن چیزهایی که موافق دستورات اسلام است. از ربا بازار باید مَطَهَّر باشد. اگر در بین بازارها اشخاصی باشند که خدای نخواسته ربا می‌خورند، خود بازارها آنها را نصیحت کنند. مبادا یک همچو مرضی توسعه پیدا بکند و مملکت ما را به نابودی بکشد» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۳: ۵۲۵). اما حقوق اقتصادی شهروندان برای ساخت «خیر عمومی» تنها با اصلاح بازار و عدالت اقتصادی حاصل نمی‌شود، بلکه ایشان اساس حکومت را مبارزه با

فساد و رانت می‌دانستند که همه شئون فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. از نظر ایشان و برای تحقق حقوق اقتصادی آحاد مردم، عقل حکم می‌کند با فساد مبارزه شود؛ بنابراین حکومت دینی با این دلیل عقلی اثبات می‌شود (جوزانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۹-۵۷). این رویکرد فسادستیز دغدغه مهم نسل چهارم انقلاب اسلامی است که در صورت عملی کردن مبارزه با فساد، می‌تواند اعتماد و سرمایه اجتماعی قابل توجهی ایجاد کند و محقق‌کننده خیر عمومی و به نفع حقوق شهروندان باشد.

منع تبعیض و حمایت از محرومان نیز بخش دیگری از حق شناخته شده در دوره‌های کنونی از انقلاب اسلامی است. از این رو امام خمینی (ره) می‌فرماید: «آنچه که روحانیون هرگز نباید از آن عدول کنند و نباید با تبلیغات دیگران از میدان به در روند، حمایت از محرومان و پابرنه‌هاست. به این دلیل هرکسی از آن عدول کند از عدالت اجتماعی اسلام عدول کرده است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۹۹). تعمیم این مسیر در دهه چهارم انقلاب برای رفع محرومیت‌ها و نابرابری‌های اقتصادی به آحاد مختلف مردم، با شیوه رفع تبعیض و مقابله با فساد نقش مهمی در تحقق خیر عمومی در جامعه اسلامی خواهد داشت.

نگاه حضرت امام (ره) قبل از انقلاب به فساد به مفهوم کلی آن بود و ایشان اساس یکی از اهداف عالی حکومت را نجات مظلومان از دست ستمکاران و مبارزه با فساد و باطل می‌دانست که خود بیانگر توجه به خیر عمومی بوده است. از نظر ایشان، اگر احکام اسلامی در حکومت اسلامی حاکم بشود، ریشه فساد از بین خواهد رفت. امام در مصاحبه‌ای با مجله‌ای خارجی قبل از پیروزی انقلاب فرمودند: «با تکیه بر احکام اسلام و نیروی مردمی می‌توان فساد را ریشه کن کرد» (کوچک زاده، ۱۳۹۸: ۳۳-۱۶). ضمن اینکه به نظر حضرت امام (ره) اقتصاد اسلام به حمایت از فقرا و پابرنه‌گان تمایل دارد خدای متعال به اداره امور فقراء دستور داده است و می‌خواهند که مستمندان مرفه باشند. ایشان پشت کردن به دفاع از محرومان و رو آوردن به حمایت از اغنیا را مخالف راه و رسم اسلامی می‌شمارند. از این رو دولت باید با تمام قدرت به محرومان رسیدگی کند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۵۱۱-۵۱۲). از نظر ایشان، فقرا، عیال خداوند هستند و خداوند رسیدگی به مظلومان را نصرت خود محسوب کرده و بدین سبب، وعده نصرت داده است: «ان تنصروا الله

ینصرکم». از کلمات ایشان استفاده می‌شود که محرومیت زدایی به معنای ایجاد رفاه عمومی است و رفاه عمومی همواره مورد توجه اسلام بوده است. به عقیده ایشان، اگر به احکام اسلام عمل شود، رفاه برای همه حتی اقلیت‌های مذهبی تحقق خواهد یافت. حضرت امام (ره) رفاه را به معنای داشتن ثروت و امکانات مادی صرف نمی‌داند، بلکه آسایش روحی در زندگی را شرط اصلی آن می‌شمارد. به عقیده ایشان، آسایش روحی به وسیله اسلامی شدن فرد و جامعه حاصل می‌گردد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۳۶).

استنباط حقوق اقتصادی به عنوان وجه مهم خیر عمومی در آراء امام خمینی (ره) به نحوی است که به باور ایشان، عدالت اجتماعی با همه ابعاد آن از مهمترین اهداف نظام اسلامی و بعثت انبیاست؛ زیرا تحقق عدالت وسیله‌ای برای توسعه معرفت‌الله و انسان‌سازی است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۳، ص ۳۶۹-۳۷۰) به نظر ایشان، شناخت اسلام و عمل به احکام آن موجب بسط عدالت اجتماعی و از جمله تعدیل ثروت در جامعه می‌شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۳۵-۱۳۷). اسلام به دنبال تعدیل است، نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد که سرمایه در دست عده‌ای محدود جمع شود (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۳۸-۳۴۰). برنامه‌های اسلام تفاوت فاحش در آمدی بین مردم را کاهش می‌دهد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷، ص ۳۴۱-۳۴۲). بنابراین اگر در جامعه اسلامی اختلاف طبقاتی شدید وجود داشته باشد، آن جامعه فقط صورت اسلامی دارد و از محتوای اسلام بی بهره است (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۱۳۵). بنابراین عدالت در معنای اسلامی آن و حقوق اقتصادی معطوف به تأمین نیازهای مادی نبوده و اخلاق و معنویت، پشتوانه خیر عمومی در معنای اقتصادی آن خواهد بود. در این صورت وجه تمایز گرایش به خیر عمومی در جامعه اسلامی و سایر جوامع نمایان می‌شود.

۳-۴. حقوق مدنی و سیاسی و خیر عمومی

دهه چهارم انقلاب اسلامی برای همسویی با خواسته‌های شهروندان و برآورده کردن نیازهای عمومی جامعه نیازمند پذیرش تحول در حقوق شهروندی است. همچنان که در نظر ایشان، عرف و تحولات آینده از سوی معصوم (ع) نیز اعلام نشد که اگر چنین بود، می‌بایست ابتدا و انتهای حیات بشری را از قبل مشاهده و نسبت به آینده آن نظرات قطعی

مطرح می‌شد. از این رو بیان می‌دارند: پیغمبر (ص) و سایر معصومان (ع) در زمان حیات خودشان که اینک قرن‌ها از آن می‌گذرد، از همان هنگام به وضع فعلی ما و جوامع ما و جریان‌هایی که در محیط اجتماعی ما اتفاق می‌افتد، آگاهی داشتند و به دلیل این علم و آگاهی درباره آخرالزمان و مشکلات آن بسیار چیزها گفته‌اند و ما را از وقایع آن دوره آگاه ساخته‌اند. هرگاه این بنات عقلایی و عرف‌هایی که در جوامع ما تا روز رستاخیر استقرار پیدا می‌کند، مورد خشنودی و تقریر معصومین (ع) نبودند، باید رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین در همان دوران حیات و حضور خود به ما گوشزد می‌کردند و ما از پیروی از آن عرف‌ها برحذر می‌داشتند، ولی چنین منع و تجذیری وجود ندارد که اگر وجود داشت حتماً در کتب می‌نوشتند و ما آگاه می‌شدیم و ما ندیدیم و نشنیدیم که معصومین (ع) این عرف‌های رایج در میان جامعه و از جمله عرف رجوع جاهل به عالم را جلوگیری کرده باشند. این است امضای معصوم و تقریر او درباره عرف عقلا (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۶۹-۶۴). بدیهی است که پذیرش این دیدگاه که ائمه معصوم (ع)، نسخه آماده و واحدی برای حقوق بشر معاصر ارائه نکردند، به معنای باز گذاشتن مسیر برای در نظر گرفتن همین تغییرات و تحولات است.

حمایت از آزادی‌های اساسی برای همه شهروندان مخصوصاً انتقاد، گردش اطلاعات و جلوگیری از تمرکز قدرت در اداره کشور وجه مهم حقوق سیاسی و مدنی است. به دلیل همین حساسیت و روحیه ضد فساد امام خمینی (ره) بحث آزادی اطلاعات و انتقاد از مدیران جامعه امری پذیرفتنی است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «... شرع حکم می‌کند که که باید نگذاریم وضع حکومت‌ها به همین صورت ضد اسلامی یا غیراسلامی ادامه پیدا کند... ما چاره نداریم جز اینکه دستگاه‌های حکومتی فاسد و فاسدکننده را از بین ببریم و هیئت‌های حاکمه خائن و فاسد و ظالم و جائز را سرنگون کنیم» (موسوی خمینی، ۱۳۶۰: ۴۰-۴۱). و برای تحقق این هدف، «در حکومت اسلامی همه افراد دارای آزادی در هر گونه عقیده‌ای هستند و لکن آزادی خرابکاری را ندارند» (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۴: ۴۳۵). به‌طور خاص اگر امروزه حقوق شهروندی با داشتن حق آزادی بیان در فضای مجازی و لزوم بهره‌مندی از اینترنت به عنوان ابزاری برای آن مورد توجه است، این الزام در حقوق

شهروندی نیز باید مطمح نظر باشد. همان طور که در ارتباط با اصل «آزادی» به عنوان یکی از عناصر حقوق شهروندی چنین فرموده است: «باید ... آزادیها در حدود قوانین مقدس اسلام و قانون اساسی به بهترین وجه تأمین گردد» (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۱۲: ۲۸۳). مقصود از قوانین مقدس اسلام، در واقع خارج نشدن از مسیر احکام دینی برای نشان دادن الگوی متفاوتی از حکمرانی و اداره جامعه است که با نگرشی فقهی سامان یافته باشد و نوع متمایز و البته متناسبی از حقوق شهروندی را در جامعه اسلامی اجرا کند. از این رو با عنایت به اینکه دخالت در میزان و حدود آزادی، وابسته به احکام شریعت است، آزادی یک عطیه خداوندی تلقی شده که حق دخالت در آزادی بشر منحصر به ذات مقدس حق است (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۰۶). با این حال، شرایط زمانی و مکانی (عرف) و اهمیت تأسیس و تشکیل حکومت برای پیاده کردن احکام نیازمند تعیین دستگاه و مرجعی است که حدود آزادی شهروندان به لحاظ رفتارهای جمعی و عمومی را سامان داده و از تعرض به حقوق سایر افراد جلوگیری نماید.

با این حال، عنصر آزادی از منظر عرفی و در چارچوب «خیر عمومی» و در راستای تشکیل و تحقق حقوق شهروندی در آراء امام خمینی (ره)، وجه ایجابی روشنی دارد و آن هم اینکه آزادی به عنوان پشتوانه تحقق نظام سیاسی مطلوب و جلوگیری از استبداد تلقی شده است. آزادی از نظر امام خمینی (ره)، افضل برکات الهی است که به انسان اعطاء شده است (آبادی زاده و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۰). زیرا با تفقه در آراء ایشان این نتیجه حاصل شده است در جامعه‌ای که بیان و ابراز عقیده در آن ممنوع و یا محدود شود، به استبداد و اختناق دچار شده و در مقابل، جامعه‌ای که مردم از آزادی بیان - در حدود منطق و شرع - برخوردار باشند و به تعالی دست پیدا کنند (موسوی بجنوردی و مهریزی ثانی، ۱۳۹۲: ۱۳). با تکیه بر مفهوم «خیر عمومی» باید گفت که حقوق سیاسی، حق شناخته شده‌ای برای شهروندان در دهه چهارم انقلاب اسلامی است. اما عنصر فراگیر و حاکم بر این حق، با ابتناء بر قانون حاصل می‌شود. به تعبیر امام خمینی (ره): «اجرای صحیح و کامل مفاد قانون اساسی ضامن آزادی انسان و رهایی از زورگویی‌ها می‌باشد. از آنجا که قانون اساسی مبین حد و مرزهای حاکمیت است و راه هرگونه تحدی و تجاوز را بر پایه قانون مسدود می-

نماید» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۷۵). در این صورت، ابراز عقیده و نظر در عرصه سیاسی و اجتماعی امری بدیهی است و اگر این حق از حقوق شهروندی نادیده گرفته شود، خسران عظیمی برای جامعه اسلامی رخ خواهد داد. بدین معنا که عدم آزادی بیان و عقیده به معنای فراموشی مسئولیت کارگزاران و افزایش هزینه‌ها و ضرر برای آحاد جامعه اسلامی است.

۵. نتیجه گیری

حقوق شهروندی مطالبه‌ای در حال تغییر بوده که هرچند نیازهای عرفی را دربر می‌گیرد، اما محتوای آن در جوامع مختلف، متفاوت است. بدین معنا که همسو شدن با عرفی-گرایی بدون ملاحظات دینی و اخلاقی، شهروندی اقتصاد محور را در رأس می‌نشانند. از این رو بحث مطالبات و حقوق شهروندی در جامعه اسلامی و از جمله در آراء امام خمینی (ره) مستلزم درکی چند بُعدی از نیازها و خواسته‌های عامه مردم که اگرچه در قالب حقوق شهروندی مطرح نشده است، اما ملاحظه «خیر عمومی» و شناسایی حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مدنی مردم و گروه‌های اجتماعی، بیانگر الگوی متفاوتی از حقوق شهروندی است که نیازهای مادی و معنوی را به صورت توأمانی مدنظر قرار می‌دهد. بر این اساس، اهمیت عرف، نقطه عطفی است که براساس آن می‌بایست نیازها و مطالبات شهروندی را در دهه چهارم انقلاب اسلامی، برحسب ابعاد دائمی حقوق شهروندی مطرح نمود. بدین معنا که حقوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و مدنی به عنوان بنیان‌های اصلی حقوق شهروندی لحاظ شده و متناسب با آن، مصادیق هریک از آنان در چارچوب قانون و بدون ملاحظات جنسی، نژادی، قومی و زبانی مورد توجه قرار گیرد. خیر عمومی در صورتی می‌تواند چارچوبی برای حقوق شهروندی ایجاد نماید که منافع و مطالبات عامه مردم را بدون ملاحظات مبتنی بر تبعیض و نابرابری سامان بخشیده و جامعه را به سمت خواسته‌های عامه مردم رهنمون می‌سازد.

چارچوب تحلیلی خیر عمومی با عطف به الزامات حقوق شهروندی برای دهه چهارم انقلاب اسلامی گویای آن است که آراء امام خمینی (ره) نیز توجه به عناصر آزادی بیان، مشارکت سیاسی، حق تعیین سرنوشت، ابراز نظر و عقیده در چارچوب قانون، حمایت از حریم خصوصی افراد و همچنین مسئولیت شهروندان در قبال ساختن جامعه را مورد توجه

قرار داده است. از این رو باید گفت که حق و تکلیف نیز عناصر جدایی ناپذیر حقوق شهروندی هستند که در دهه چهارم انقلاب نیازمند تبیین بیشتری است. در پرتو نقش عرف در دیدگاه امام خمینی (ره) باید گفت که الزاماتی نظیر مشارکت، آزادی بیان، مردمسالاری و حق تعیین سرنوشت به عنوان اصول تدوین حقوق شهروندی بوده که امروزه عناصر بنیادین خیر عمومی هستند. با این حال با استنباط از آراء امام خمینی (ره) و در پرتو اصل خیر عمومی باید گفت تأسیس نهاد ملی حقوق شهروندی با بهره‌گیری از نقش عرف در تعیین مصادیق حقوق شهروندی و بازخوانی اصول و مبانی حقوق شهروندی بر مبنای قانون اساسی و اصول ۲۴ تا ۲۶ قانون اساسی یا اصل حاکمیت ملت و... راهشگای ارائه یک الگوی شهروندی اسلامی خواهد بود. در حقیقت، «حقوق ملت» را باید قلب قانون اساسی دانست و حتی در تغییرات احتمالی در قانون اساسی و سایر قوانین آن را در نظر داشت. تبلور این حقوق بنیادین در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، نشانه بارز تجلی «حکمرانی کرامت‌مدار» و «زمام‌مداری حق‌مدار» است که عناصر و الزامات آن در آراء امام خمینی (ره) بیان شده و نیازمند تبیین و تشریح بر مبنای خواسته‌های تغییرپذیر شهروندان است.

منابع و مآخذ:

قرآن کریم.

افشار احمدی، ایرج، روحانی مقدم، محمدصادق، آقایی بجستانی، مریم (۱۳۹۷)، حقوق فردی شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با رویکرد فقهی امام خمینی (ره)، **مجله اخلاق زیستی**، ویژه نامه حقوق شهروندی، صص ۲۹-۱۷.

انصاری، منصور، نظری، محمدعلی (۱۳۹۴)، مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی (س) و تفاوت‌های آن با حقوق شهروندی در غرب، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۴، صص ۲۷-۱.

آبادی‌زاده، فریبا، آل‌بویه، علی، امیرپور، حیدر (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه امام خمینی و آیزایا برلین با تأکید بر اصاله البرائه، **فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی**، سال شانزدهم، شماره ۶۱، صص ۶۲-۴۵.

بشیریه، حسین (۱۳۸۶)، **عقل در سیاست، سی‌وپنج گفتار در فلسفه سیاسی، جامعه‌شناسی و توسعه‌سیاسی**، تهران: نشر نگاه‌معاصر.

پیروزی، عبدالله، الله کریم، عبدالحسین، بخشایشی اردستانی، احمد، امینی، علی‌اکبر (۱۴۰۰)، مطالعه تطبیقی مفهوم خیر عمومی در اندیشه سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله نائینی، **فصلنامه توسعه- اجتماعی**، دوره ۱۶، شماره اول، صص ۲۴-۱.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، آزادی بیان، **مجله پاسدار اسلام**، شماره ۲۸۳.

جوزانی نیکو بخشایشی، احمد (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی میزان تحقق اندیشه امام خمینی (ره) با رویکرد عدالت اقتصادی در دولت‌های پس از انقلاب (۱۳۹۲-۱۳۶۸)، **فصلنامه پژوهش‌های**

سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره دوم، صص ۷۹-۵۷.

دارستانی فراهانی، سعید، توانایی، محمدحسین، اکبری دستک، فیض‌الله (۱۳۹۸)، نسبت سنجی مفهوم علم در امام مبین و نظریه ولایت فقیه امام خمینی (ره)، **فصلنامه رهیافت انقلاب**

اسلامی، سال ۱۷، شماره ۶۲، صص ۱۲۶-۱۰۷.

درخشه، جلال؛ فخاری، مرتضی (۱۳۹۵)، گستره مفهوم عدالت در اندیشه امام خمینی، **فصلنامه پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی**، دوره ششم، شماره ۱۸، صص ۱۸-۱.

درخشه، حسین، درخشه، جلال (۱۴۰۰)، تحلیل مفهومی خیر عمومی و برساخت آن در اندیشه سیاسی یورگن هابرماس، **فصلنامه سیاست**، دوره ۵۱، شماره اول، صص ۱۷۹-۱۵۳.

راولز، جان (۱۳۸۵)، **عدالت به مثابه انصاف: یک بازگویی**، ترجمه: عرفان ثابتی، چاپ دوم: تهران: ققنوس.

رضایانی‌پور، حسین، اسماعیلی، محسن (۱۳۹۹)، جایگاه حقوق شهروندی در سبک سیاسی امام خمینی (ره) و آیت‌الله خامنه‌ای

با تمرکز بر سه مؤلفه حق آزادی بیان و عقیده، حق مشارکت در تعیین سرنوشت و حق تحزب و تشکل، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، سال سوم، شماره چهارم، صص ۳۰-۱. کوچک زاده، فرهاد (۱۳۹۸)، دین و نگاه دینی امام خمینی (ره) به عنوان رهبر جامعه اسلامی از منظر فساد، **نشریه بصیرت**: صص ۳۳-۱۶.

گای، ماری (۱۳۹۱)، **شهروندی در تاریخ اندیشه غرب**، ترجمه عباس باقری، تهران: نشر فرزانه روز.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸)، **نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه**، تهران: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

مقصودی، رضا، محقق‌داماد، سیدمصطفی، علامه، سیدمهدی، مظلوم رهنی، علیرضا، اسدی کوه‌باد، هرمز (۱۴۰۰)، اعتبار و کارآیی شرط بنائی در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران، **فصلنامه فقه و اصول**، سال ۵۴، شماره ۲، صص ۱۵۶-۱۳۷.

ملک‌زاده، فهیمه، احمدلو، مونا (۱۳۹۱)، جایگاه عرف در حقوق با رویکردی بر اندیشه‌های امام خمینی (ره)، **پژوهش‌نامه متین**، سال چهاردهم، شماره ۵۶، صص ۱۶۳-۱۳۹.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۶۰)، کشف الاسرار، بی‌جا: نشر فلق.

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، **صحیفه امام**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۱)، **ولایت فقیه (حکومت اسلامی)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، سید روح‌الله (ب) (۱۳۸۲)، **کلمات قصار: پندها و حکمت**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶)، **اجتهاد و تقلید**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱)، **جهاد اکبر**، تهران: انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

میرتقی، مصطفی (۱۳۷۱)، **شرحی بر رساله حقوق حضرت امام سجاد (ع)**، قم: نشر مشهور.

نش، کیت (۱۳۸۹)، **جامعه‌شناسی سیاسی معاصر، جهانی شدن قدرت و سیاست**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.

هابرماس، یورگن (۱۳۹۲)، **دگرگونی ساختاری حوزه عمومی**، ترجمه جمال محمدی، تهران: نشر افکار.

منابع انگلیسی

Nozick, Robert (1974), *anarchy, state and utopia*, basil Blackwell, oxford.

- Opwis F. (2013) "Public Interest". In: Bowering G. (ed.) *The Princeton Encyclopedia of Islamic Political Thought*. Princeton, NJ: **Princeton University Press**.
- Salvatore, Armando and Dale F. Eickelman, eds. (2004) **Public Islam and the Common Good**. Leiden: Brill.
- Yuengert, Andrew. (2009) "The Common Good for Economists," **Faith and Economics** 38: 1-9.
- Zaman M.Q. (2004) "The Ulama of Contemporary Islam and Their Conception of the Common Good". In: Salvatore A. and Eickelman D.F. (eds) **Public Islam and the Common Good**. Leiden: Brill, pp. 129-156.